از آن روزهای حماسه و شور

تقدیم به دانشجویان قهرمانی که اینک فریادگر صحنه‌اند

فریدون احمدی

در این اوج جدید جنبش دانشجویی، به جاست یادی شود از اوج و فرازی بسیار نیرومند در تاریخ کشور ما و در تاریخ جنبش دانشجویی: از مقاومت سراسری دانشجویان در برابر یورش همه‌جانبه عوامل حاکمیتی مذهبی که می‌رفت تا با برداشتن مانع دانشجویان و دانشگاه، حاکمیت و سلطه سیاه بیست و چندساله‌اش را بر کشور ما تثبیت کند.

یادکردن آن روزها و رویدادها از آن رو نیز اهمیت دارد که نسل‌های کنونی و جوان‌تر، بینند مبارزه وسیع و میلیونی جاری برای آزادی و رهایی از چنگال حکومت اسلامی، بر پایه چه قهرمانی‌ها و فداکاری‌هایی استوار شده، قوام یافته و به مراحل تعیین‌کننده کنونی‌اش رسیده است.

* * *

پس از ۲۳ سال خاطرات آن روزها را مه و غباری غلیظ فرا گرفته است. آن روزها در اردیبهشت ۱۳۵۹ روشن بود که رهبران نظام در حال تثبیت، برای تصرف انحصاری قدرت، به زودی یورش به نیروهای سیاسی و تشکل‌ها و جنبش‌های اجتماعی و همه دگر اندیشان و دگرباشان را آغاز خواهند کرد و روشن بود دانشگاه، سنگر مقدم و خاکریز اول است.

دانشجویان نیز به خوبی به این امر واقف بودند و به همین سبب تصمیم به مقاومت سراسری گرفته شد. فضای جامعه، یک سال و نیم پس از انقلاب، اجازه یورش مستقیم از طریق ارگان‌های رسمی سرکوب را نمی‌داد. پس اوباشان مسلح به قمه و زنجیر سازمان داده شدند و در کنار امت تحریک‌شده و با مشارکت غیر رسمی پاسداران، دستور حمله صادر گردید.

تبلیغات گسترده‌ای به راه افتاده بود که در دانشگاه و دفاتر دانشجویی اسلحه نگهداری می‌شود و دانشگاه، پشت جبهه کردستان شده است. وسیعا تبلیغ می‌شد در جامعه اسلامی چه معنا دارد که دانشگاه در تصرف کمونیست‌ها باشد و آن‌ها در آن دفتر داشته باشند. تعطیلی دفاتر تشکل‌های دانشجویی و جلوگیری از فعالیت تشکل‌های مختلف غیر حکومتی در دانشگاه‌ها، و در ادامه اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها و انجام انقلاب فرهنگی به عنوان خواسته مردم مسلمان معترض مطرح می‌شد.

در دانشگاه و مراکز آموزش عالی، سازمان‌های مختلف دانشجویی از جمله سازمان دانشجویان پیشگام (هواداران جنبش فدایی)، انجمن دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق)، انجمن اسلامی دانشجویان (هواداران خمینی و وابسته به حکومت)، سازمان دانشجویان مبارز (هواداران سازمان پیکار و دیگر نیروهای موسوم به خط)، سازمان دانشجویان دمکرات (هواداران حزب توده ایران) و... فعالیت داشتند. اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و چادر وحدت و بعدتر دفتر تحکیم وحدت (وحدت حوزه و دانشگاه) که آن زمان دفتر تحکیم وحشت خوانده می‌شد، خود از عاملین سرکوب جنبش دانشجویی بودند و بعدها کادرهای اصلی وزارت اطلاعات و تیم‌های بازجویی و شکنجه را تشکیل دادند. انجمن دانشجویان مسلمان ضمن محکوم‌کردن حمله به دانشگاه‌ها پای خود را کنار کشید. دانشجویان دمکرات نیز به هنگام حمله حزب‌اللهی‌ها به دفتر حزب توده در خیابان ۱۶ آذر به آن‌ها می‌گفتند: دفتر آن‌ها (پیشگام) پایین‌تر است.

اکثریت دانشجویان چپ تصمیم به ایستادن و مقاومت گرفتند. مقاومت و سازمان‌دهی اصلی بر عهده پرشمارترین سازمان دانشجویی چپ، سازمان دانشجویان پیشگام قرار داشت. پیشگام در آخرین انتخابات شوراهای دانشجویی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی بطور متوسط بیش از ۳۰ درصد آرای دانشجویان را کسب کرده و در برخی از مراکز آموزش عالی حتی نیروی اول و قوی‌تر از هواداران خمینی و نظام اسلامی بود.

به هر حال، مراکز اصلی حمله و مقاومت در تهران، دانشگاه تهران و دفتر مرکزی پیشگام در خیابان ۱۶ آذر، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه ملی، دانشگاه پلی‌تکنیک، دانشگاه صنعتی و تا آن جایی که به خاطرم می‌آید دانشگاه‌های اهواز، گیلان، تبریز، شیراز و اصفهان بود.

حملات با زنجیر و قمه، پرتاب سنگ و گاه تیراندازی صورت می‌گرفت و مقاومت در مراکز برشمرده قریب یک هفته تمام و شبانه روز ادامه داشت. طی این مدت تعداد زیادی از دانشجویان مجروح شدند. در تهران، برای کاهش خطر جانی برای دانشجویان، به تدریج مقاومت در دانشگاه تهران و حول دفتر مرکزی پیشگام در خیابان ۱۶ آذر متمرکز شد. بیش از ۱۰ هزار نفر در درون دانشگاه تهران، جلوی دانشگاه و ۱۶ آذر تجمع کرده و صفوف به هم فشرده‌ای را در برابر مهاجمین ساخته بودند. هر سنگی که پرتاب می‌شد سر و صورتی را می‌شکافت اما زنجیرهای که مدافعین، مردان و زنان جوان، بازو در بازو، برای جلوگیری از ورود مهاجمین به دانشگاه، ساخته بودند و اراده آنان هیچگاه شکسته نشد. مدافعینی می‌افتادند اما جای آن‌ها را دانشجویان و جوانان دیگر پر می‌کردند. دو روز آخر مدافعین نیز با پرتاب سنگ به مهاجمین پاسخ می‌دادند. فاصله شلیک گلوله‌های هوایی و زمینی مرتب کمتر می‌شد. خبرنگاران خارجی برای تهیه گزارش و انجام مصاحبه دائما به دفتر پیشگام رفت و آمد می‌کردند.

درون دفتر مرکزی پیشگام در روز ۵شنبه که فردای آن در زمین دانشگاه نماز جمعه برگزار می‌شد مانند سالن‌های بیمارستان‌های صحرایی مملو از مجروحین بود. قابل پیش‌بینی بود که اگر کار به جمعه بکشد با بسیج امت تحریک‌شده حزب‌الله، حمام خون با تلفات بی‌شمار به راه خواهد افتاد. عصر ۵شنبه تصمیم گرفته شد که به مقاومت خاتمه داده شود. برخی سازمان‌های سیاسی چپ کماکان مخالف پایان‌دادن به مقاومت بودند. دیگر مقاومت به دفتر مرکزی پیشگام و خیابان‌های اطراف آن، و محوطه دانشکده فنی تا در اصلی دانشگاه محدود شده بود.

برای پایان‌دادن به حملات و ترک منظم و بدون تلفات محل و تضمین این امر از سوی سپاه پاسداران، در دو سطح با مقامات دانشگاه و مسئولین اجرایی (رئیس جمهور بنی‌صدر) مذاکراتی در جریان بود. این مذاکرات تا پاسی از شب ادامه یافت.

در ساعات اولیه شب، شدت تیراندازی‌ها و حملات به حدی بود که آرش آذرکلاه، خبرنگار تلویزیون که از سوی رادیو تلویزیون برای مصاحبه به دفتر پیشگام آمد، مجبور شده بود گروه خونی خودش را روی دستش بنویسد. این مصاحبه با من انجام گرفت و روز بعد در بخش خبری ساعت ۸ شب پخش شد. چند روز پس از آن نیز مناظره‌ای تلویزیونی تهیه و پخش شد که در آن حسن حبیبی، معاون رئیس جمهور وقت، ف. تابان نماینده پیشگام و نمایندگان انجمن اسلامی دانشجویان و انجمن دانشجویان مسلمان حضور داشتند. در این مناظره، نماینده پیشگام توضیح داد که این اقدامات در راستای تثبیت استبداد مذهبی و استقرار نظام مبنی بر شعار حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله است و سرکوب و اختناق همه‌جانبه و در همه عرصه‌ها در پیش است.

سرانجام، خروج دانشجویان و مقاومت‌کنندگان از دفتر پیشگام و خیابان ۱۶ آذر آغاز شد و تا حدود ۳ بامداد ادامه یافت. جمعیت از میان راهرویی که از صف پاسداران در دوسوی آن تشکیل شده بود، به سمت خیابان کارگر حرکت کرده و آن جا پراکنده شدند. تنها رفیق زنده‌یاد علی‌رضا اسکندری (شاپور) از اعضای رهبری پیشگام و از سازمان‌دهندگان مقاومت دانشجویان، در محل باقی ماند که روز بعد وسائل و کلیدهای ساختمان را رسما تحویل دهد. وی بعدا دستگیر و پس از سال‌ها زندان اعدام شد.

بیانیه جمهوری‌خواهان‌ایران

محاکمه علنی و مجازات جنایتکاران لباس‌شخصی را خواستاریم

از مطالبات عادلانه و آزادی‌خواهانه دانشجویان پشتیبانی می‌کنیم

هشیاری دانشجویان در برابر اقدامات تحریک‌آمیز و سیاست‌های سرکوب‌گرانه را می‌ستائیم

گردهم‌آیی دانشجویان در کوی دانشگاه تهران که به منظور طرح برخی مطالبات صنفی و از جمله اعتراض به برنامه خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها انجام گرفت، به سرعت جنبه سیاسی یافت و از درون کوی دانشگاه به سطح شهر تهران و سپس برخی دانشگاه‌ها و شهرهای دیگر کشانده شد. مداخله تحریک‌آمیز گروه‌های فشار و حمله لباس‌شخصی‌ها به خوابگاه دانشگاه علامه طباطبائی و ضرب و شتم دانشجویان و گروه‌هائی از مردم که به حمایت از دانشجویان برخاسته بودند، بسیاری را مجروح و روانه بیمارستان‌ها ساخته است.

در جریان این رویدادها صدها تن در تهران و شهرستان‌ها و از جمله ده‌ها تن از دانشجویان و مسئولان انجمن‌های دانشجوئی و نیز تعدادی از فعالان سیاسی کشور بازداشت شده‌اند. گزارش‌های دیگر حاکی از ربوده‌شدن تعدادی از دانشجویان در تهران و شهرستان‌هاست.

تبدیل اعتراضات مسالمت‌آمیز صنفی و سیاسی دانشجویان توسط گروه‌های فشار به فضای تخریب و تشنج، که بویژه اکنون در آستانه چهارمین سالگرد فاجعه ۱۸ تیر می‌تواند تکرار شود، بسیار هشداردهنده است. تداوم این رویدادها در عین حال که نشانگر اوج بحران سیاسی و نارضائی اجتماعی و بن‌بست کامل نظام در اداره کشور و پاسخ به خواست عمومی مردم مبنی بر تغییرات سیاسی بنیادی است، امکان زمینه‌سازی برای بهره‌برداری خودکامگان حاکم در جهت تشدید اختناق و سرکوب را نیز فراهم می‌آورد.

موضع‌گیری نابخردانه و تهدیدآمیز آقای خامنه‌ای در منتسب‌کردن اعتراضات به‌حق دانشجویان به عوامل خارجی و توصیه سرکوب بی‌رحمانه، زمینه‌ساز گستاخی و مداخله آزادانه گروه‌های فشار در یورش به دانشجویان طی روزهای اخیر بوده است. این موضع‌گیری، خود آشکارکننده منشا اصلی قدرت و هدایت این اوباشان سیاسی در درون ساختار حاکم است.

شک نیست که بدون نارضائی‌های عمیق اجتماعی و ناتوانی سیاسی داخلی، نگاه به خارج نمی‌تواند مطرح باشد. بلکه این فقدان فضای باز و آزادی بیان و مطبوعات و احزاب سیاسی، و نیز انبوه معضلات اقتصادی و صنفی و معیشتی دانشجویان و سایر اقشار مردم، و حاکم‌بودن اختناق و بی‌کفایتی و فساد است که می‌تواند زمینه‌ساز چنین نگاهی گردد.

ما ضمن پشتیبانی از مطالبات عادلانه و آزادی‌خواهانه دانشجویان و اظهار همدردی با مجروحان و آسیب‌دیدگان این رویدادها که مورد هجوم لباس‌شخصی‌ها و عوامل سرکوب قرار گرفته‌اند، خواهان آزادی همه دانشجویان و فعالان بازداشت‌شده طی روزهای اخیر، و دیگر زندانیان سیاسی هستیم.

جنبش دانشجوئی ایران طی سال‌های گذشته تجربه سیاسی فراوان اندوخته و بویژه از فاجعه ۱۸ تیر درس‌های بسیار آموخته است. پایداری و پختگی این جنبش از ارکان اصلی جنبش دمکراتیک مردم ایران برای عقب‌نشاندن تمامیت‌گرایان حاکم و دست‌یابی به آزادی و دمکراسی است.

ما اکنون شاهد این هستیم که دانشجویان و رهبران حرکت اخیر دانشجوئی علی‌رغم تحریکات و فشار از هر سو، با هشیاری بیشتری نسبت به سیاست‌های سرکوب‌گرانه عمل کرده و از خصلت مسالمت‌آمیز و مدنی جنبش دانشجوئی با قدرت و متانت بیشتری پاسداری کرده‌اند. همبستگی و خرد سیاسی دانشجویان در پیوند با جنبش دمکراتیک مردم ایران می‌تواند طرح‌های خودکامگان حاکم در اجرای سیاست سرکوب در داخل و ماتور سیاسی در خارج را نقش بر آب سازد.

برای نجات هرچه سریع‌تر کشور از گرداب خشونت و خونریزی و از پرتگاه آشوب و رخدادهای غیر قابل کنترل، باید اقتدارگرایان و در راس آنها رهبر نظام، به سیاست سرکوب پایان دهند و به مطالبات آزادی‌خواهانه مردم تمکین کنند. تا راه برای تغییرات دمکراتیک بنیادی در کشور از طریق انتخابات آزاد و مراجعه به آرای عمومی در همه زمینه‌ها گشوده شود. این شایسته‌ترین راه حفظ جان و کرامت انسانی ایرانیان و تامین سلامت سیاسی جامعه و منافع ملی میهن ما در مقطع کنونی است.

گروه‌های فشار و سرکوب موسوم به لباس‌شخصی‌ها و انصار حزب‌الله که ابزار آشکار اعمال خشونت و مورد تنفر عمومی هستند، باید تحت پی‌گرد قرار گیرند و افراد دستگیرشده این گروه‌ها و سرکردگان آنها این بار با معرفی نام و چهره آنان به محاکمه جدی و علنی کشیده شوند و حامیانشان در ارگان‌های حکومتی شناسائی و به مردم معرفی گردند.

ما از نیروهای انتظامی می‌خواهیم که نه تنها در همه موارد قاطعانه و بدون مماشات حساب خود را از گروه‌های فشار و سرکوب لباس‌شخصی جدا کنند بلکه از هرگونه دخالت آنان در گردهم‌آئی‌ها و اجتماعات و تعرض آنها به دگراندیشان ممانعت ورزند. از جان و امنیت مردم دفاع کنند، و جای خود را در کنار مردم بیابند.

ما از سپاه پاسداران و دیگر نیروهای مسلح کشور می‌خواهیم که با هشیاری و درک شرایط سیاسی حساس کشور، از تقابل با مردم بپرهیزند. از تسلیم به فرامین سرکوب از بالا و دست‌زدن به هرگونه اعمال خشونت در قبال اعتراضات دانشجوئی و تظاهرات مردمی اجتناب کنند. و به عواقب چنین اشتباه فاجعه‌باری بیاندیشند.

دفاع یکپارچه شخصیت‌های سیاسی آزادی‌خواه کشور و نیز محافل و نهادهای مدافع‌حقوق بشر و مجامع دمکراتیک چه در ایران و چه در خارج، از مطالبات دانشجویان، و محکوم‌کردن حمله چاقوکشان و اوباش حکومتی به آنها و سایر گروه‌های مردم، نشانه امیدبخش وجود عزم و اراده‌ای آگاه، متحد، و نیرومند برای دست‌یابی به آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی، و برخورداری همه ایرانیان از یک زندگی آزاد و شایسته است.

این بیانیه را قریب به ۷۰ تن امضا کرده‌اند

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران بمناسبت خیزش‌های دانشجویی

جنبش آزادیخواهانه مردم ایران در چند ماه اخیر گامهای تازه‌ای را به جلو برداشته است. نامه‌های سرگشاده‌ای که از سوی گروه‌ها و اقشار مختلف خطاب به کاربه‌دستان جمهوری اسلامی انتشار می‌یابند و افکار عمومی مردم ایران و خارج از کشور از آنها مطلع‌اند، نشان می‌دهند که مقابله قاطعانه و پیگیرانه‌ای میان توده‌های مردم و حاکمیت جمهوری اسلامی در کلیت آن در راه است. همه قرائن نیز نشان می‌دهند که حرکتهای این بار مردم برگشت‌ناپذیر بوده و تا پیروزی نهائی و تغییر حاکمیت فرمانروا به پیش می‌روند.

در این میان جنبش دانشجویی در ایران که از پیشینه افتخار آمیزی در روند مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران برخوردار است، نقش فعالتر و موثرتری را برعهده گرفته است. یاد خیزش ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ و سرکوب بیرحمانه این خیزش از سوی حاکمیت واپسگرا، امسال بعنوان سر فصلی تلقی گردیده که روند سریع‌تری را به جنبش آزادیخواهانه دانشجویان و همه اقشار مردم ایران بخشیده است. از چند ماه قبل دانشجویان و بسیاری از اقشار جامعه تصمیم گرفته‌اند که ۱۸ تیرماه امسال را نسبت به سالهای گذشته به شیوه باشکوه‌تری برگزار نمایند و به آغاز مقطع تازه‌ای از مبارزه تبدیل نمایند.

از سوی دیگر مسئولان رژیم که از هر حرکت آزادیخواهانه‌ای در وحشت‌اند، نگران آینده و سرنوشت خود می‌باشند و به شیوه‌های مختلف خود را جهت مقابله با حرکتهای اعتراضی دانشجویان آماده ساخته‌اند. در این رابطه تصمیم گرفته‌اند تا امتحانات پایان سال تحصیلی را به جلو اندازند تا یک هفته قبل از ۱۸ تیرماه دانشگاهها تعطیل و دانشجویان متفرق گردند. در این رابطه دانشجویان بیدار و هوشیار ایران نیز برآنند تا حرکت اعتراضی خود را به جلو اندازند و این توطئه رژیم را با تاکامی مواجه سازند. در این راستا بود که تصمیم خصوصی‌کردن دانشگاهها را سرآغاز جهت ابراز خواستهای خود و فراتر از آن خواست آزادیخواهانه مردم ایران قرار دادند. اینک یک هفته است که خیزش شکوهمند دانشجویان آغاز گردیده و علیرغم همه تلاشهای رژیم و سرکوبهای بیرحمانه راه رو به فراز خود را می‌پیماید. خیزش امسال دانشجویان از ویژگیهای خاصی برخوردار است که در سالهای قبل با وجود نداشتند یا کمرنگ بودند. از جمله: خواستهای دانشجویان تنها به خواستهای صنفی محدود نمی‌شوند، بلکه خواستهای همه مردم ایران را در بر می‌گیرند. این جنبش اعتراضی برخلاف گذشته علیه تنها یکی از جناحهای درون حاکمیت نبوده، بلکه رژیم را در کلیت آن مورد تهاجم قرار داده است. از این هم مهمتر این خواستها بطور مبهم بیان نمی‌گردند، بلکه صریح و بی‌پروا از میان برداشتن جمهوری اسلامی و روی کار آمدن یک حکومت مردمی را ندا می‌دهند. این نیز مایه خوشحالی و امید است که خیزش این بار به دانشگاه تهران محدود نگردیده، بلکه هر روزه شمار بیشتری از دانشگاههای کشور به عرصه مقابله و مبارزه با رژیم تبدیل می‌شوند و چنین می‌نماید که پیش از سالروز ۱۸ تیرماه همه دانشگاههای ایران را در بر گیرد.

از سوی دیگر توده‌های مردم ایران بویژه در تهران تصمیم گرفته‌اند که فرزندان دانشجوی خود اعم از دختر و پسر را در عرصه مبارزه آزادیخواهانه تنها نگذارند و قاطعانه از آنها حمایت نمایند. در یک هفته گذشته اگر نیروهای سرکوبگر رژیم تلاش نموده‌اند همه خیابانهای منتهی به دانشگاه تهران را مسدود نمایند و مانع از آن گردند که اقشار مختلف مردم به سیل دانشجویان ناراضی بپیوندند. مردم تهران همه خیابانهای شهر را به عرصه مقابله یا به گفتهای دیگر تمام شهر را به دانشگاهی بزرگ تبدیل نموده‌اند.

انعکاس خیزش اخیر دانشجویان نیز به هیچ وجه با سالهای گذشته قابل مقایسه نیست. در خلال این مدت خبر مربوط به خیزش دانشجویان ایران در راس اخبار خبرگزاریها، رادیو، تلویزیون و نشریات جهان بوده است. همین هم همبستگی کم‌سابقه‌ای را در میان افکار عمومی جهان نسبت به جنبش دانشجوئی و کل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران موجب شده است. نخستین باری است که برخی از دولتها و حتی ایرادگرتری همچون ایالات متحده آمریکا حمایت خود را از خواستهای تظاهرکنندگان و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران ابراز می‌دارند.

حزب دمکرات کردستان ایران ضمن تقدیر از خیزش شکوهمند دانشجویان دانشگاه تهران و همه دانشگاههای کشور و نیز ضمن ابراز حمایت بیچون و چرا و بیحد و مرز خود از خواستهای برحق این حرکت که در واقع خواست همه خلقهای ایران‌اند، از اعضاء و هواداران خود در کردستان و سراسر ایران می‌خواهد از هر طریق ممکن از این خیزش حمایت نمایند و آنرا یاری رسانند.

از دانشجویان کرد در دانشگاه‌های کردستان و سراسر ایران می‌خواهد فعالانه و با هویت کردی در این حرکتها مشارکت جویند و سعی نمایند خواستهای ملی خلق کرد و دیگر خلقهای محروم ایران را در این جنبش منعکس سازند. بویژه بجاست که یاد ۲۲ تیرماه، سالگرد ترور دکتر قاسملوی زنده‌یاد، رهبر تاریخی خلق کرد را با یاد ۱۸ تیرماه سالروز سرکوب بیرحمانه خیزش دانشجویان دانشگاه تهران گره بزنند.

فراتر از اینها از توده‌های مردم کردستان با همه اقشار موجود در آن می‌خواهد که به حمایت از فرزندان دانشجوی خود برخیزند و با همه توان خود در این خیزش عمومی که در

ادامه در صفحه ۲

تا آن جا که من شنیده بودم و خبر داشتم در دانشگاه گیلان با این تصور که در تهران قرار بر ماندن است روز بعد نیز دانشجویان در دانشگاه ماندند که در حمله حزب‌اللهی‌ها چند دانشجو کشته و تعداد زیادی مضروب و بازداشت گردیدند.

ادامه در صفحه ۴